

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ جون ۲۰۲۲

ماهیت یکسان حاکمیت ها، علت تجمع جواسیس در تمام آنها!

پنجشنبه - ۱۹ جوزای ۱۴۰۱ - کابل: تا جایی که من متوجه شده ام شاید بتوان روشنفکران و شبه روشنفکران افغانستان را از یک بعد خاص صادق ترین و مطیع ترین پیروان "ستالین" به شمار آورد. آن بعد خطی است که "ستالین" به اعضای حزب سوسیال دموکرات روسیه معین داشته می گوید "باید کوشید تا هر جلسه شخصی را نیز به یک جلسه آموزش سیاسی مبدل نمود" - نقل به مضمون.

احتمالاً شما هم در زندگی شخصی و روزمره با این واقعیت روبه رو شده باشید که وقتی از کسی خواسته اید تا بیاید به یک جلسه سیاسی اشتراک نماید، همان شخص علی رغم دوستی و احترام رک و پوست کنده معذرت خواسته، گفته آدم سیاسی نیست؛ مگر همین انسان غیر سیاسی اعم از مرد و یا زن، پیر و یا جوان وقتی در یک محفل ختم و یا عروسی و یا هم عیادت بیمار و یا چشم روشنی یک مسافر با چند تن دیگر مواجه شده است، حداکثر تحملش برای انداختن یک بحث سیاسی بیشتر از ۵ الی ۱۰ دقیقه طول نکشیده، با الهام از گفته "ستالین" مجلس شخصی و خانوادگی را به یک جلسه سیاسی آموزشی مبدل ساخته است.

به همین عادت وقتی شب گذشته با هزار "الله و بسم الله" و خود را از شر طالب دورداشتن، دیدن یک از استادانم که اکنون بیمار است، رفتم؛ متوجه شدم که به غیر از من تقریباً به تعداد انگشتان دو دست دوستان و شاگردان دیگر نیز در آنجا حضور داشتند، آنهم حضور فعال و صحبت در مورد مسأله روز. یعنی برگشتن جواسیس تکنوکرات از "از رحیمی و وزیری" گرفته تا "فاروق وردک و غالب" و بقیه کسانی که من با نام شان آشنائی ندارم. بحث که به مانند تمام بحث های ما افغانها بدون نتیجه گیری واحد حد اقل تا زمانی که من آنجا بودم ادامه یافت، جمع شرکت کنندگان را به دو دسته تقسیم نموده بود.

دسته اول آمدن و برگشتن جواسیس تکنوکرات را تا حال و ادامه احتمالی آن را در آینده، برخاسته از ضعف شخصیتی، بی باوری آنها به راه و رسم و اعتقادی که اعلام می نمودند، جاسوس مشربی و خود فروشی این افراد دانسته، با قاطعیت حکم می نمودند که این افراد وطن فروشان و خیانتکارانی اند که حاضر اند در بدل پول و تأمین منافع شخصی شان همه چیز حتا ناموس شان را نیز معامله نمایند.

دسته دوم ضمن آن که با این ویژگی های اعلام شده و نقش آن در نوسانات و چرخش های متضاد این افراد نه تنها مخالفت نداشتند، بلکه آن را می پذیرفتند؛ اعتقاد داشتند که این نکته بیان قسمتی از یک حقیقت است نه تمام آن. از نظر

دسته دوم اساسی ترین عامل اشتراک چنین افرادی در تمام نظام های ۴ دهه اخیر، به علاوه ضعف، فساد و کمبود شخصیتی این افراد، تشابه و حتا یکسانی نظامهای ۴ دهه اخیر از لحاظ ماهیت آنها می باشد.

این دسته ضمن استدلال شان صریحاً ادعا می کردند:

*- تمام نظامهای ۴ دهه اخیر وابسته، دست نشانده، پوشالی و منقاد بیگانگان بودند؛

*- برای هیچ یک از آنها حفظ منافع ملی کشور و خدمت به مردم افغانستان با اعتلای سطح زندگی آنها مطرح نبوده؛

*- تمام آنها بدون استثناء تمامیت خواه و مستبد بوده اند؛

*- در تمام آنها این تمامیت خواهی و استبداد یا مبنای ایدئولوژیک- خلقی ها و اخوانی ها- داشته و یا مبنای قومی و

تباری باز هم خلقی پرچمی ها، حاکمیت ربانی مسعود، کرزی و غنی احمد زی و اینک باز هم طالب؛

*- تمام آنها حاضر بوده اند برای حفظ منافع فردی، حزبی و تباری شان، بر روی مجموع ملت شمشیر کشیده دست در

دست بیگانگان بگذارند تا هموطنان شان را به قتل رسانیده بتوانند.

این دسته که من هم شامل شان شدم، استدلال می کردند که افرادی از قماش جنایتکاران و جواسیس جهادی و تکنوکرات

را این ماهیت مشترک به طرف خود می کشاند، در واقع آنها چیزی بیشتر از فاحشه های سیاسی نیستند این که از یک

بستر به بستر دیگر می روند، بی توجهی خود آنها نه، بلکه اقتضای شغل شان است. آنها بر مبنای شغلی که انتخاب

نموده اند، هیچ گاهی و در تحت هیچ شرایطی نه می خواهند و نه هم خواهند توانست با یک حرکت ملی دموکراتیک

همهانگ شده، در کنار آنها بایستند. آنها باکتری ها و ویروس هائی اند که جهت بقای شان به چنین محیط و فضای آلوده

و باتلاق متعفن ضرورت حیاتی دارند.

از دید همین دسته، ملامت کردن افرادی از قماش "وزیری، رحیمی، فارق و ردک، امان الله غالب" و بقیه که چرا بعد

از سالها آستانبوسی حاکمیت پوشالی "کرزی، غنی احمدزی" اینک شرف و ناموس سیاسی شان را زیر پای طالب

انداخته اند، در نفس خود مغایرت ماهوی دو نظام با یک دیگر را می رساند. چنین طرز دیدی به این نکته ختم می شود

که گویا خدمت به نظام پوشالی ساقط شده امر خوب و یا قسماً خوب و خدمت به نظام ملاسالار امر بد است و یا عکس

آن.

در حالی که قضیه اینطور نیست. هر دو نظام تا مغز استخوان، وابسته، ضدملی، مزدور و دشمن هویت ملی و تاریخی

کشور ما و وحدت تمام باشندگان این سرزمین بوده و اند لذا همکاری با آن نظام و این نظام هیچ تفاوتی از لحاظ ماهیت

با یک دیگر ندارند، تنها تفاوت این است که فاحشه در کدام بستر خود را تقدیم می نماید، ماهیت عمل همان خود فروشی

است.

هموطنان گرامی!

تا زمانی که من در آن مجلس عیادت از بیمار که به یک مجلس سیاسی داغ مبدل شد حضور داشتم، ما نتوانستیم به کدام

نتیجه ای برسیم، اگر خودت از فشرده ان بحث ها به کدام نتیجه ای رسیدی، لطفاً من را هم در جریان بگذار.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!